



کارگر هندی، سقف یک پناهگاه موقت را در «کلکته» این کشور، می‌سازد، عکس از خبرگزاری رویترز

آب درماتی فیل کوچک ۵ ماهه در یک مرکز توانبخشی در تایلند، عکس از خبرگزاری رویترز



نمایشگاه تکنولوژی «لاس وگاس»، عکس از خبرگزاری فرانسه

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

به گوش و چشم خودمان خیانت نکنیم

حضرت آیت‌ا... جوادی آملی در درس اخلاق خود درباره چیزهایی که با چشم و گوش‌مان در این دنیا حس می‌کنیم، فرموده‌اند:

ذات اقدس الهی در بخش‌هایی از سُور قرآن کریم، چه در سوره «بقره» چه در سُور دیگر، فرمود آقایان به خودتان خیانت نکنید! شما امین من هستید من این اعضا و جوارح را به شما ندادم که مال شما باشد. پس تملیک نکرده، تفویض نکرده، تا ما بگوییم گوش برای خودمان است هر چه را خواستیم گوش بدهیم، چشم برای خودمان است هر کدام را خواستیم نگاه کنیم این امانت است. لذا چه در سوره مبارک که «بقره» چه در آیات دیگر این تعبیر کم‌نیست، فرمود خیانت نکنید! نه در مال مردم، نه در بیت‌المال، آن‌ها که چیز روشنی است. فرمود به خودتان خیانت نکنید، به چشمتان خیانت نکنید، به گوشتان خیانت نکنید. این چشم که برای شما نیست که به هر چیزی خواستید نگاه می‌کنید، این دست که برای شما نیست که به هر مالی دارد دراز می‌شود، این‌ها برای من است من به شما به عنوان امانت دادم شما در امانت خیانت نکنید؛ لذا این دست‌ها در قیامت شهادت می‌دهند.

منبع : پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌ا... جوادی آملی

- احکام

نماز کسی‌که نمی‌تواند وضو بگیرد

محمدعلی ندایی/ وضو و طهارت، مقدمه نماز است. این وضو هم باید توسط خود شخص انجام شود. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر کسی به دلیل معلولیت و قطع نخاع، توانایی انجام وضو ندارد، حکمش چیست؟ آیا می‌تواند نمازش را بدون وضو بخواند یا این که باید نایب بگیرد تا او را وضو دهد؟ حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی در استفتایی در این باره چنین فتوا داده‌اند:

سوال: آیا فردی که از گردن قطع نخاع است و خود قادر برانجام وضو نیست، ولی می‌تواند نایب بگیرد، جایز است بدون وضو نماز بخواند؟

جواب: در صورتی که خودش قادر به وضو نیست و گرفتن نایب برای او عسر و حرج ندارد، باید نایب بگیرد. در غیر این صورت، بدون وضو نماز می‌خواند.

- کاریکلماتور



- بریده‌ها

خاطره مزه‌ها

آدم‌ها عوض می‌شوند جوان! ذائقه‌ها تغییر می‌کند. نه این که آدم‌س بادکنکی قدیمی با حالا فرق داشته باشد، بلکه این ماییم که آن دوره‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و لذت تجربه طعم و مزه واقعی غذاها و بوها و تمام چیزها از ما گرفته شده است. دیگر هیچ چیز مثل آن زمان‌ها نیست. ما از خاطره بعضی مزه‌ها زیر زبانمان لذت می‌بریم ولی خود آن‌ها را از دست داده‌ایم.

برگرفته از کتاب «دخیل هفت» اثر محمد رودگر

- انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویر ساز: سعید مرادی



اون‌ها با دیدن تصویری از مردمی که از گرسنگی در حال مرگ بودند، متاثر شدند

- اندک‌صبر

رویا

هیچ کس آنقدر فقیر نیست که رویایی نداشته باشد صبا کاظمیان

- عجایب دنیا

۶ روش غیر معمول برای حمل و نقل عمومی در جهان

همشهری دانستنی‌ها/ از عمر ماشین‌ها و استفاده عمومی و همگانی از آن‌ها شاید کمی بیش از یک قرن گذشته باشد اما هنوز هم در بسیاری از کشورها و حتی مناطق مختلف کشورمان از شیوه‌های سنتی و قدیمی برای جابه‌جایی استفاده می‌شود که بدون توجه به پیشرفت فناوری همچنان جایگاه و اهمیت خود را میان مردم آن ناحیه حفظ کرده‌است. اگر به کشور دیگری سفر کردید، انتظار نداشته باشید همیشه تا کسی، اتوبوس یا قطار در دسترس باشد. گاهی اوقات این وسایل حمل‌ونقل خیلی کمیاب می‌شوند. محلی‌ها ممکن است به جای این وسایل، شیوه‌حمل‌ونقل عمومی خودشان را داشته باشند اما وسایلی که ابتدا ممکن است عجیب به نظر برسند، می‌توانند خاطر یک سواری فراموش‌شدنی را که در هیچ جای دیگری نظیرش را تجربه نخواهید کرد، در ذهنتان ماندگار کنند:



سورتمه‌های سگی، آلاسکا

نشتن درون سورتمه‌های سگی در فیلم‌ها، سواری آرام و بی‌دردسری به نظر می‌آید، اما در زندگی واقعی سرشار از پرش‌های ناخوشایند خواهد بود. اگر می‌خواهید یکی از این سورتمه‌های سگی را امتحان کنید، بهتر است این کار را در طول ماه‌های زمستان انجام دهید، زمانی که برف ضخیم مانند فرش‌ری روی جاده نشسته است.



سورتمه، پرتغال

استفاده از سورتمه‌های «مونتی» زمانی یکی از روش‌های معمول حمل‌ونقل مردم محلی «مادیرا» بود اما امروزه دیگر برای جابه‌جایی استفاده نمی‌شود و فقط گردشگران از این سواری و تجربه فوق‌العاده لذت می‌برند.



جینی، فیلیپین

وقتی سربازان آمریکایی در پایان جنگ بین‌الملل دوم از فیلیپین بیرون رفتند، کامیون‌های نظامی آن‌ها باقی ماندند و محلی‌ها بدنه این خودروها را به سلیقه خودشان تغییر دادند و سقفی به عنوان سایه‌بان به آن اضافه کردند. سپس این خودرو به وسیله‌ای برای حمل‌ونقل عمومی تبدیل شد و نام آن هم به «جینی» تغییر کرد. این وسیله هنوز هم استفاده می‌شود.



کامیون جنگی در انگلیس

«داک» کامیون کوچکی است که در جنگ بین‌الملل دوم به‌منظور انتقال سربازان از روی خشکی و آب ساخته شد. این کامیون اکنون به جاذبه‌ای گردشگری در لندن تبدیل شده و گردشگران را در شهر می‌گرداند و گاهی از روی رودخانه تایمز می‌گذراند.



قایق دم‌دراز، تایلند

قایق‌های دم‌دراز تایلندی، قبلاً درون کانال‌های آبی بانکوک مورد استفاده قرار می‌گرفتند اما با این که جاده‌های خاکی جای کانال‌ها را گرفتند، هنوز هم اگر در اطراف بانکوک بخواهید به شهرهای دیگر سفر کنید، می‌توانید سوار یکی از این قایق‌ها شوید. ساختار باریک و لاغر آن، باعث می‌شود حرکت در طول کانال‌های کم‌عرض ساده‌تر باشد.



قطار بامبو، کامبوج

قطار «بامبوی کامبوجی، نشیمنگاهی از جنس بامبوست که به کمک موتور الکتریکی پیش‌رانده می‌شود. قطار بامبویی‌روی مسیر راه‌آهن قرار می‌گیرد و می‌تواند با سرعت ۴۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند. این قطار، راه‌آزاری برای مسافرد کامبوج است.

- این‌کیه؟

مدال طلای غیغب برای حسین ر فاض اده!

سلام. جواب مسابقه چهارشنبه رو که می‌بینین، «حسین رضازاده» قهرمان سابق وزنه‌برداری کشورمون هشتش. اما بر خلاف روند مسابقه‌های گذشته، جواب‌های درست کمی برامون اومد. فقط ۶ نفر تونستن مسابقه رو درست جواب بدن. انصافاً انتظار داشتم جواب‌های خیلی بیشتری برسه.



است؟!ایشون علاوه بر مدال‌های جهانی و المپیک وزنه‌برداری، تو مسابقات بزرگ‌ترین غیغب غرب آسیا، بعد از رقابت سنگینی با سلطان علی پروین، نفر اول شدن! حالا جدا از شوخی، انتظار ۵۰۰-۴۰۰ تا جواب درست رو داشتیم. اما برنده طبق قرعه‌کشی، جناب آقای علیرضا علمدار از مشهد هستن که عکس و کاریکاتورشون رو می‌تونین چهارشنبه همین هفته و همراه‌با مسابقه‌بعدی‌بینین. پس تا چهارشنبه خدائهدار



شهرتان در دل گویر است و گزارش آخرین بارانی که در شهرتان باریده، به یک روایت نامعتبر از عموی ناتنی پدر بزرگ‌تان با گوش شما رسیده است. یعنی کل بارندگی شهرتان در طول تاریخش به اندازه یک نصف لیوان هم نمی‌شود. با این حال شما محض احتیاط هر روز چتر با خودتان بیرون می‌برید و توسط تمام مردم شهر حداقل یکی یک دور مسخره شده‌اید. آنقدر این کار شما غریب است که به شما لقب آقا یا خانم چتری داده‌اند. حالا یک روز که اتفاقی چترتان را چ گذاشته‌اید و با بهترین لباس‌هایتان رفته‌اید توی شهر، یک جوری ابرها دست به دست هم می‌دهند، روی سر شما نعره می‌کشند، برسرتان می‌بارند و کت و شلوارتان را خیس و آبکشی می‌کنند که مردم هند در شرایط باران‌های سیل‌خیز موسمی آن‌را تجربه نکرده‌اند!

مورفی‌نامه

- کله چفوکس

آق کمال مدبریت بحران را یاد می‌گیرد

از هم‌روز اولی که کاملیاخانم ره دیدم و مهرش به دلم افتاد، مدنستم یگ چیزهایی دره که توای دوره زومونه نایابه. یعنی به دلم افتاده بود که با انتخاب ای عیال، انگار با یگ پلخنوم دو تان نشون ره زدم. هم یگ زن زندگی پری خودم انتخاب کردم که تا آخر عمر به پای همدگه پیر برم و از همدگه سیر نرم، هم یگ استاد همه‌فن حریف تو او چیزایی که یاد ندزم پری خودم گرفتم. عین همو استاد‌های اعظمی که تو فیلم‌های جاپونی می‌بینم که اولش دُمار شاگرده ره درمیاره ولی آخرای فیلم همو سختگیر یاش باعث مشن که شاگرده به مراحل بالا برسه و غول مرحله آخر ره با موفقیت درب و داغون کنه!

یعنی توندگی به هر مشکلی که مُخورم، کاملیاخانم براش یگ راه حلی دره که به عقل جن هم نمرسه. مثلاً دیشب داشتم به حساب‌های شرکت مرسدیم و عیال هم نیم ساعتی بود تلفنی با آپچیش حرف میزد. حرفشان به تفسیر اخبار شبانگاهی رسیده بود و داشتن به سرنخ‌های خوبی درباره ترورست استانبول مرسدین که ورخاستم رفتم سیب و خیار پوست کُتم بخورم تا عیال تجدید نفس کنه و از حال ترده تو آشپزخانه یگ بویایی شنیدم. دیدم ماهیتابه رو گاز و یگ چیزهایی هم توش شعله مکشه! انگار پیاز داغ یی ناهار فردا بود که عیال فراموش‌شان کرده‌بود. زیره خاموش کردم و آمدم تو‌ها! بازبون اشاره گفتم اینا جزغاله رفتن! خوبی مکالمه‌های عیال با آپچیش ایه که زبون اشاره هم یاد گرفتم و منتم ای جور وقتا باهم حرف بزنم.

عیال جا خورد و مجبور شد از آپچیش خداحافظی کنه، البته گفت فعلاً، که بعدش واز بره به ادامه تحلیل‌هاش برسه! بدو آمد تو آشپزخانه و گفت: «خواست کجا بود؟» انا حالا خوب رفتم! گفتم: «شما که به مو چیزی نگفته بودن!» گفت: «من نگم، شما نباید حواست به گاز باشه؟ حالا ولش، فدای سرت، الان درستش می‌کنم.» چهارچشمی داشتم نگاه کردم چی ترفندی مزنه تا اینا ره درست کنه که چراغ بالای هودره روشن کرد. فکر کردم چراغه اشتباهی به جای هواکش زده که گفت: «بیا درست بش. ببین چقدر خوش‌رنگ شدن!» یعنی کشته مرده را هک‌هاش پری مدیریت بحرانم که هر روز یگ کار جدید ازش یاد می‌گیرم!

- باس‌ماس



نویسنده: سیدمصطفی صابری، تصویر ساز: سعید مرادی

- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

« مطالب صفحه «همشهری سلام» خوب و به‌روز است اما به خاطر کم‌بودن مطالب و خالی‌بودن از بخش‌های جدید و جذاب و حذف کردن بخش‌های بسیار خوبی مثل «خاطره‌بازی» و «ترین‌ها» و قدیمی شدن رنگ و چینش صفحه از مخاطبان صفحه کاسته شده یا آن‌ها را به خواندن صفحه بی‌رغبت کرده است و منتظر یک تغییر اساسی‌اند.
« خیلی ممنون که بالای صفحه عکس از ایران گذاشتین. هرچند که عکاشش ایتالیایی بود. مگه کشور عزیز خودمون جای دیدنی کم داره؟
مامان فرانک، مشهد
« واقعا مطالبتون عالیه و فقط جای داستان‌های ترسناکی که می‌داشتین خیلی خالیه. ممنون می‌شم اگه دوباره «ترسانک» رو چاپ کنید.
فاطمه، سبزوار
« وقتی گیاهی را توی صفحه «سلامت» معرفی می‌کنید، دستور تهیه‌اش را هم بدهید.
« خدایتو را سباسب از این که مرا خواننده پروپاقرص «زندگی سلام» کردی!
« دوستان عزیز که این قدر از شعرهای آقای خوش‌حال یا صفحه «همشهری سلام» انتقادی‌مین، لطفاً نظرات شخصی خودتون رو به پای کل خواننده‌ها نذارید.
بابای آرنیکا، فرجان
« لذت بردم از دیدن تاکسی پیکان در لندن. آخه کلی خاطرات پچگی‌ام رو زنده کرد.
جواب خفن استرپ‌شماره ۱۲۷: بی‌پایان، بادبزین و دوبیتی